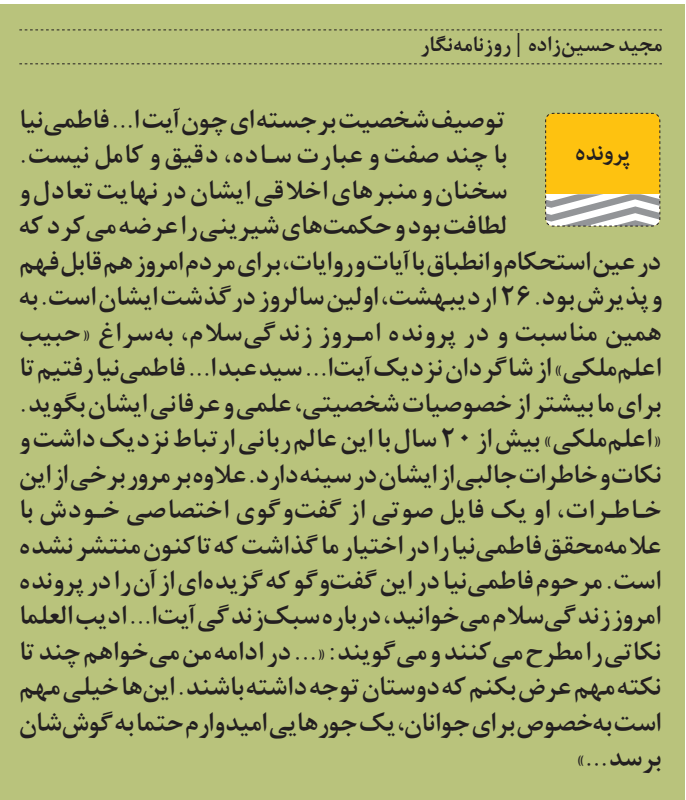


توصیه‌های منتشر نشده استاد «فاطمی‌نیا» به جوانان

«حبیب‌اعلم‌ملکی» از شاگردان نزدیک استاد فاطمی‌نیا به‌مناسبت سالروز در گذشت این عالمِ واعظِ درس آموز توصیه‌هایی منتشر نشده از ایشان را در اختیار ما گذاشت



مجید حسین‌زاده | روزنامه‌نگار

پرونده

توصیف شخصیت بر جسته‌ای چون آیت‌ا... فاطمی‌نیا با چند صفت و عبارت ساده، دقیق و کامل نیست. سخنان و منبرهای اخلاقی ایشان در نهایت تعادل و لطافت بود و حکمت‌های شیرینی را عرضه می‌کرد که در عین استحکام و انطباق با آیات و روایات، برای مردم امروز هم قابل فهم و پذیرش بود. ۲۶ اردیبهشت، اولین سالروز در گذشت ایشان است. به همین مناسبت و در پرونده امروز زندگی‌سلام، به‌سراغ «حبیب‌اعلم‌ملکی» از شاگردان نزدیک آیت‌ا... سیدعبدا... فاطمی‌نیا رفتیم تا برای ما بیشتر از خصوصیات شخصیتی، علمی و عرفانی ایشان بگویید. «اعلم‌ملکی» بیش از ۲۰ سال با این عالم ربانی ارتباط نزدیک داشت و نکات و خاطرات جالبی از ایشان در سینه دارد. علاوه بر مرور برخی از این خاطرات، او یک فایل صوتی از گفت‌وگوی اختصاصی خودش با علامه‌محقق فاطمی‌نیا را در اختیار ما گذاشت که تاکنون منتشر نشده است. مرحوم فاطمی‌نیا در این گفت‌وگو که گزیده‌ای از آن را در پرونده امروز زندگی‌سلام می‌خوانید، درباره سبک زندگی آیت‌ا... ادیب‌العلماء نکاتی را مطرح می‌کنند و می‌گویند: «... در ادامه من می‌خواهم چند تا نکته مهم عرض بکنم که دوستان توجه داشته باشند. این‌ها خیلی مهم است به‌خصوص برای جوانان، یک جور‌هایی امیدوارم حتماً به گوش‌شان برسد...»

از نوجوانی شیفته ایشان شدم

«اعلم‌ملکی» در ابتدای صحبت‌هایش به این نکته اشاره می‌کند: «اجازه می‌خواهم قبل از هر سخنی تصحیح کنم که این حقیر بدون تواضع، یکی از کمترین ارادتمندان آیت‌ا... فاطمی‌نیا هستم و نه شاگرد و نه دیگر... او درباره نحوه‌آشنایی‌اش می‌گوید: «بنده توسط مرحوم پدرم با استاد فاطمی‌نیای بی‌بدیل آشنا شدم. در دهه ۶۰ شرح دعای ابوحمزه

«اعلم‌ملکی» در ابتدای صحبت‌هایش به این نکته اشاره می‌کند: «اجازه می‌خواهم قبل از هر سخنی تصحیح کنم که این حقیر بدون تواضع، یکی از کمترین ارادتمندان آیت‌ا... فاطمی‌نیا هستم و نه شاگرد و نه دیگر... او درباره نحوه‌آشنایی‌اش می‌گوید: «بنده توسط مرحوم پدرم با استاد فاطمی‌نیای بی‌بدیل آشنا شدم. در دهه ۶۰ شرح دعای ابوحمزه

سبک تربیتی‌شان، رفاقتی، محبتی و مشورتی بود

وی درباره مشاهداتش از ارتباط آیت‌ا... فاطمی‌نیا با دیگران می‌گوید: «استادفاطمی‌نیا معمولاً با اشخاصی که با ایشان آشنا می‌شدند ارتباط بسیار خوبی داشتند و نوعاً هر آشنایی تصور می‌کرد محبوب‌ترین یا صمیمی‌ترین فرد نزد استاد است... در ضمن، نگاه و شیوه حاج آقا در امر تعلیم و تربیت واقعاً بسیار موثر

حتی روی تخت بیمارستان هم مطالعه می‌کردند

«اعلم‌ملکی» که بیش از ۲۰ سال با ایشان ارتباط نزدیک داشته، درباره یکی از مهم‌ترین توصیه‌های استاد فاطمی‌نیا به دیگران می‌گوید: «مرحوم استاد فاطمی‌نیا توصیه می‌فرمودند برای کتاب‌خوانی و مطالعه وقت زیادی بگذارید و مطایبه هم داشتند و می‌گفتند امسیدوارم مرض کتاب و کتاب‌بازی به شما هم سرایت کند... کتاب و مطالعه



آن قدر بر ایشان مهم و شیرین بود که حتی روی تخت بیمارستان هم مطالعه می‌کردند و از اندک حال و فرصتی برای این امر بهره می‌جستند.»

همسرشان یک بار هم عصبانیت ایشان را

ندیده بود

«اعلم‌ملکی» یک‌خاطره درس آموز هم درباره منش آیت‌ا... فاطمی‌نیا در خانواده دارد که می‌گوید: «از همسر گرامی استاد فاطمی‌نیا که الحق خودشان بانویی با فضیلت و از بیت علم و سیادت هستند، شنیدم که می‌گفتند: در طول همه سال‌های زندگی مشترک حتی یک بار هم عصبانیت حاج آقا را ندیده‌ام و حتی صدای بلند و هیچ گونه تندخویی از ایشان نشنیدم و ندیدم. وقتی که این مطلب را شنیدم اصرار کردم که واقعی می‌فرمایید یا تعارف و احترام است؟ همسر محترم ایشان تأکید کردند صادقانه حتی یک موردهم خلاف این نبوده است. درواقع ایشان علاوه بر توصیه‌هایی که روی منبر و کرسی درس داشتند خودشان هم عامل بودند. یک بار به استاد گفتم که شما خبر دارید حاج خانم درباره شما این چنین فرمودند؟ آقای فاطمی‌نیا باتسبی می‌گفتند حاج خانم به من خیلی لطف دارند؛ عرض کردم خداییش همه این مدت که خدمت شما هستم رفتاری غیر از این از شما ندیده‌ام، خواهش می‌کنم بفرمایید قضیه این توانایی چیست؟ فرمودند: الحمدلله خدا مرحمت فرموده، دستم را گرفته و من مالک غضبم هستم. یقیناً و حتماً استاد روی کظم غیظ و کف نفس کار کرده بودند و اوصاف‌شان به همین‌ها محدود نبود...»

منبع این بخش، ایکنا

خدا را با باطن پاک عبادت کن

آیت‌ا... فاطمی‌نیا در این گفت‌وگو که برای اولین بار منتشر می‌شود، نکاتی را برای همه به‌ویژه جوانان در میان گذاشتند

«اعلم‌ملکی» در ابتدای فایل صوتی این گفت‌وگوی ارزشمند با استاد فاطمی‌نیا که در اختیار ما قرار داده، می‌گوید: «با نام و یاد خدای متعال؛ بهترین و شایسته‌ترین صلوات‌الهی بر حضرت سید انبیا و اوصیای برحق‌شان، خدا را! شاگردم توفیق مغتنمی برای دیدار و گفت‌وگوی اختصاصی با سرور ارجمند جناب استاد فاطمی‌نیا با محوریت شخصیت آیت‌ا... ادیب‌العلماء، باتوجه به شناخت حضرت تعالی از امتیازهای علمی و معنوی ایشان نصیب‌مان شده تا مجموعه‌ای برای معرفی این عالم گران قدر آماده شود و در اختیار مشتاقان قرار گیرد. همچنین بفرمایید که به‌طور کلی چه عواملی را در حصول عبودیت و توفیقات عالی برای اولیای خدا موثر می‌دانید؟ در خدمت‌تان هستیم.» استاد فاطمی‌نیا هم در پاسخ چنین نکات و مطالب غز و نابی را فرمودند: «بسم... الرحمن الرحیم. خدمت شما عرض کنم که شناخت بنده از مرحوم آیت‌ا... آقامیرزا محمدعلی ادیب‌العلماء (ارتقایی) برمی‌گردد به سال‌های خیلی پیش که من نوجوان بودم. حتی پدر بزرگوارشان هم اهل علم بودند. البته من این را در حاشیه بگویم که هم ایشان و هم پدرشان خطاط بودند. الغرض آن موقع که نوجوان بودم، پدر ایشان از من خواست که عصرها بروم در کتابداری به ایشان در یک مدرسه، ۲ یا ۳ ساعت کمک کنم. من هم ۲ یا ۳ ماه رفتم، طوری بود که طلبه‌ها کتاب می‌خواستند، شماره این کتاب‌ها ملکه ذهنم شده بود. در ادامه من می‌خواهم چندتا نکته مهم عرض بکنم که دوستان توجه داشته باشند. این‌ها خیلی مهم است به‌خصوص برای جوانان، یک جور‌هایی که امیدوارم حتماً به گوش‌شان برسد.» در ادامه، بر گزیده‌ای از صحبت‌های استاد فاطمی‌نیا را در این گفت‌وگو خواهید خواند.

در باره شخصیت‌های بزرگ معنوی، افسانه‌های زیادی درست می‌شود

شخصیت‌های بزرگ به‌ویژه شخصیت‌های معنوی که باطنی دارند و معنایی دارند، درباره این‌ها افسانه‌ها و ادعاهای بسیار درست می‌شود. مثلاً به شما بگویم یک عده بودند که آقامیرزا جعفر مجتهدی را اصلاً ندیده بودند، می‌گفتند ما یک روز پیش آقای مجتهدی بودیم، ایشان چنین گفت. یا آقای شیخ محمدعلی ادیب را درست و حسابی ندیدند اما برای این که خودشان را ببرند بالا، می‌گویند که من یک وقتی با ایشان بودم، به من چنین گفت و چنان گفت. خلاصه از این نقل‌ها درباره شخصیت‌های بزرگ بسیار هست. جوانان ما باید حواس‌شان جمع باشد. در ضمن این را هم در حاشیه بگویم چون بنده رشته‌ام کتاب‌شناسی است، کتاب‌های منسوب به شخصیت‌های بزرگ و علما هم زیاد درست می‌شود. برای این که این‌ها شهرت داشتند، کتاب به نام این‌ها می‌ساختند تا به فروش بالایی برسد برای نفع مادی. مثلاً کتاب‌های زیادی به علامه مجلسی نسبت داده شده که اصلاً مال ایشان نیست مانند تعبیر خواب. کتاب‌های زیادی که به غزالی نسبت داده شده که مال ایشان نیست و من این‌ها را تحقیق کردم. برگردیم به موضوع اصلی‌مان، مرحوم ادیب‌العلماء شخصیت بی‌نظیر یا باید بگویم کم‌نظیری بود چون من شناخت کافی از ایشان داشتم. ایشان عالم بود و بسیار ملتمز، متدین و متخلق به اخلاق حسنه....

در دین ما هم ظاهر مهم است و هم باطن

آیت‌ا... ادیب‌العلماء زندگی طبیعی داشت و من می‌دانستم زندگی زاهدانه و کمرنگی دارد. هروقت خدمت‌شان می‌رسیدم، دور و برش چندتا نسخه خطی بود و یک سماور کوچک. ایشان در علوم غریبه از آدم‌هایی بود که نظیرش نبود یا کم بود اما عالم بود و باطن داشت. باطن این نیست که آدم علوم غریبه بداند. ممکن است اصلاً در عمرش علوم غریبه نداند. ما دین‌مان هم ظاهر دارد و هم باطن. به این معنا که ما بخشی از دین‌مان اعمال جوارح است یعنی اعمالی است که با بدن‌مان انجام می‌دهیم مثل نماز، روزه و چیزهای دیگر و اگر این‌ها نباشد، ما به هیچ جایی نمی‌رسیم. اگر کسی عبادات روزمره‌اش را بلد نباشد و مدعی عرفان باشد، این آدم دروغ‌گویی است و اصلاً چنین چیزی نمی‌شود. بنابراین اولین چیزی که ما داریم، عبادات ماست، اعمال جوارح است، وظایف بومیه ماست. منتها این‌ها یک حیاط خلوتی دارند و آن در اصطلاح اخلاقیون، «معرف اسرار قلوب» یعنی معرف اسرار باطن است. مثلاً ما الان می‌خواهیم وضو بگیریم، غسل کنیم، نماز بخوانیم، آخر چه می‌شود؟ می‌گویند اقم الصلاة لذ کری. این لذ کری، حیاط خلوت همه عبادات است. بنابراین اگر نماز را با همه شرایط بخوانیم اما لذت‌ری نباشد، برای یاد خدا نباشد، این جاست که مرحوم سید بحر العلوم می‌فرمایند که باطن را از ظاهر بیشتر آراسته کن یعنی خدا را با باطن پاک عبادت کن. آدم وقتی می‌خواهد مهمان دعوت کند، اول باید خانه را تمیز کند. آقامیرزا جواد ملکی تبریزی، ایشان از همه سائر گفته و من وقتی این جمله را می‌گویم، خجالت می‌کنم. ایشان می‌فرمایند این بدن ما قشری است روی روح ما و این لباسی که بر تن می‌کنیم، قشر است. اگر این لباس ما که قشر قشر است منتجش بشود، نماز باطل است، آن وقت با باطن آلوده ما چگونه نماز می‌خوانیم؟ طرف حسود است هنوز برای حسدش فکری نکرده. ریاکار است هنوز برای ریاکاری‌اش فکری نکرده و چیزهای دیگر. اجمال مطلب این است که این باطنی که می‌گوییم منظور این است و آقامیرزا محمدعلی از این باطن بهره‌مند بود. عرض کردم تمام عباداتی که به‌جامی آوریم، حیاط خلوتش معرف اسرار قلوب است و باید به درونت برسی. نماز «نتهی علی الفحشا و المنکر» است، این شوخی ندارد. این که خم می‌شویم، به رکوع و سجود می‌رویم، این را پروردگار گذاشته و آثاری دارد که ما را از منکرو فحشا دور می‌کند.

راه‌های سلوک به عدد انفاس خلایق است

از لحاظ کرامات، من نمی‌خواهم درباره آیت‌ا... ادیب‌العلماء اغراق کنم چون ما هر چه در زندگی می‌گوییم در پرونده اعمال‌مان نوشته می‌شود. حالا می‌خواهیم کسی را مدح

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

۲۴ شوال ۱۴۴۴ • ۱۵ می ۲۰۲۳

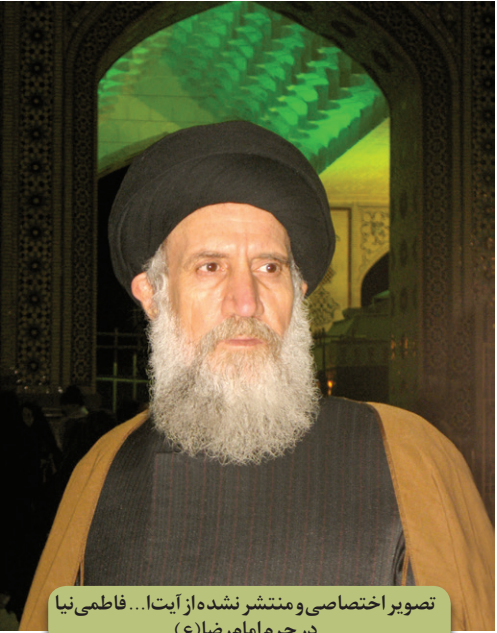
شماره ۲۱۲۱۲

۲۴۳۲



استاد فاطمی‌نیا و «حبیب‌اعلم‌ملکی» در حرم امام‌علی(ع)

کنیم، نوشته می‌شود یا برعکس. بنابر این من می‌توانم بگویم ایشان کرامت داشته و من صحنه‌ای از نزدیک از ایشان دیده‌ام که می‌گویم. آن اواخر، ایشان خیلی مریض بود و به زحمت راه می‌رفت ولی ایشان را دعوت کرده بودند به ناهاری که به خاطر آن دوست قبول کرده بود. این هم از سلوک او بود، ما فکر می‌کنیم که سلوک فقط نماز شب است. سلوک این قدر هست که بزرگان فرمودند سلوک به عدد انفاس خلایق است. یک وقت دیدی شما یک لیوان آب به کسی دادی که سلوک همان شد، یک وقت به یک مهمانی رفتی، به یک کسی زنگ زدی، یک خودکار به یک کسی دادی، یک آدم بد اخلاقی را متحمل شدی، تمام این‌ها سلوک است. بنده شاهد کم ایشان با همه زحمتی که برایش داشت در آن مهمانی حاضر شد. منتها بعد از این که ناهار مختصری میل کردند، یک ماشین آمد تا ایشان را ببرد چون نمی‌توانستند بنشینند. من هم تادم ماشین، ایشان را بدرقه کردم و کرامتی که دیدم، آن جابود. می‌گویند مشتم نمونه خروار است. من یادم است که یک نفر بود و من در جریان بودم که از افرادی می‌ترسید که برایش خط و نشان کشیده بودند و مضطرب بود. این آدم تادم ماشین رسید، بدون این که قضیه را توضیح دهد، آقای ادیب‌العلماء برگشت و به ایشان گفت که ترس، برو دعای یامن تحل بخوان....



تصویر اختصاصی و منتشر نشده از آیت‌ا... فاطمی‌نیا در حرم امام‌رضا(ع)

از ارواح علما بخواهید برای شما دعا کنند

ان شاء... در برزخ روح مقدس ایشان دعاگوی ما باشد. چون این جور افراد در برزخ دست‌شان از دنیا باز تر است یعنی آن جابیشتر می‌توانند دعا کنند. تشبیه کردند بعضی از علما، در منزلی که تعمیرات هست، نقاشی هست، آن جاندربان می‌گذارند، تیر و تخته می‌گذارند که ما هم رفت‌وآمد می‌شود و آن جارا تنگ می‌کند. وقتی تیر و تخته را برداشتند، آن جاباز می‌شود و همه می‌آیند و می‌روند. می‌گویند بعضی از بزرگان، بدن‌شان به حکم آن تیر و تخته است که خانه را شلوغ کرده. وقتی روح از بدن‌شان خارج می‌شود، خیلی بهتر می‌توانند دعا کنند. این یک اصلی است در عرفان که البته ریشه دارد. در نتیجه این جور افراد در آن جابتر می‌توانند دعا کنند. خوب است گاهی وقت‌ها هدایایی به روح مقدس‌شان بفرستیم، پولی از طرف آن‌ها به مستحقّی بدهیم، کسی را خوشحال کنیم، با نماز خواندن یا تلاوت قرآن یا به گونه‌ای دیگر از آن‌ها بخواهیم ما را دعا کنند یا این که بدون این هدایا هم دعا می‌کنند ولی این رابطه‌ای که برقرار می‌کنیم، مصلحت است.